

دو مقاله از رسانه های چاپ داخل ایران در مورد کشتار ۳۰ فروردین و شهادت ۹ زندانی سیاسی



شکنجه و اعدام مبارزان بسیاری نقش داشت در سال ۱۳۵۴ بیژن جزنی به همراه ضیا ظریفی و کلانتری و چوپان زاده به همراه ۴ تن از دیگر مبارزان در بالای تپه های اوین به دست دزخیمان شاه تیرباران شدند که البته رژیم به دروغ اعلام کرد که اینان در حین فرار کشته شدند.

*بعضی از توضیحات ضروری از جانب نبرد خلق

- ۱- بیژن جزنی هیچگاه به طور رسمی عضو جبهه ملی نبود.
- ۲- فرد مزبور ناصر آقایان بود
- ۳- شهرزاد و نه شهر زادی
- ۴- مجید کیانزاد
- ۵- این دستگیریها در دو نوبت بود. حسن ضیا ظریفی در تهران و سعید کلانتری و دو نفر دیگر در خوزستان هنگام خروج از ایران دستگیر شدند. البته هر دو این دستگیریها به علت ارتباط با تشکیلات تهران حزب توده که عباس شهریاری (مر هزار چهره و عنصر نفوذی ساواک در حزب توده) در راس آن بود صورت گرفت.
- ۶- بیژن جزنی هیچگاه با مسعود احمدزاده به طور حضوری بحث نکرده بود. بلکه بیژن پس از شهادت مسعود احمدزاده با نظرات او آشنا شد و بعضی از موارد آن را نقد کرد.
- ۷- تعداد افراد تیمی که به پاسگاه سیاهکل حمله کرد ۹ نفر بود.
- ۸- امیر پرویز پویان در درگیری به شهادت رسید و مسعود احمد زاده مدتی بعد دستگیر و در اسفند سال ۱۳۵۰ اعدام شد.

بقیه در صفحه ۱۵

دستگیر کند. مقاومت قهرمانانه جزنی و سورکی در زیر شکنجه های وحشیانه ی ساواک موجب شد که اعضای گروه بتوانند مخفی شوند اما با دستگیری «شهرزادی» (۳) یکی از اعضای گروه، بیشتر افراد دستگیر شدند از جمله (ایزدی، رشیدی، فرخ نگهدار و...) و بعد از چند وقتی به وسیله ی عباس شهریاری «مرد هزار چهره» باقی اعضا از جمله حسن ضیا ظریفی، چوپان زاده، جلیل افشار، کلانتری، کین زاده (۴) دستگیر شدند. (۵)

جزنی در دادگاه به حبس ابد محکوم شد که در تجدید نظر به ۱۵ سال زندان تقلیل پیدا کرد. بعد از فرار ناموفق برخی از اعضای گروه تمامی آنان به زندانهای شهرستان تبعید شدند از جمله جزنی که به قم تبعید شد. اما در خارج زندان اعضای باقی مانده گروه با ارتباط گیری با گروه «پویان» احمد زاده» سازمان چریکهای فدایی خلق را تشکیل دادند. بیژن جزنی به وسیله همسرش جزوات و مقالات خود را به سازمان می رساند و به عنوان یکی از بزرگترین رهبران فکری سازمان شناخته شده بود. او برخلاف تفکر مسلط چپ در جامعه ما که بیشتر تحت تاثیر اندیشه های مائو و جهان سومیها بود بیشتر یک اندیشه مدرن چپ را ارائه می داد و در اینجا بحثهای فراوانی با احمد زاده داشت (۶). آثار متعدد جزنی که بیشتر آنها را در زندان نوشته بود هنوز هم یکی از سترگترین آثار در حوزه اندیشه های چپ در جامعه ما است و در اینجا حتی او را می توان با گرامشی متفکر و مبارز ایتالیایی مقایسه کرد.

در سال ۱۳۴۹ در ۱۹ بهمن ماه ۱۳ چریک فدایی خلق (۷) با حمله به پاسگاه سیاهکل» مشهور است رسماً مبارزه مسلحانه را با رژیم شاه آغاز کردند. بعد از حماسه سیاهکل که سر آغاز مبارزه نوین بر ضد دیکتاتوری شاه بود دزخیمان ساواک با شدت عمل بسیاری با مبارزان برخورد کردند به صورتی که پویان و احمدزاده (۸) در سال ۱۳۵۰ در درگیری با ساواک کشته شدند و دیگر اعضای سازمان در جنگ و گریز با ساواک بودند تا این که بعد از اعدام انقلابی عباس شهریاری مرد هزار چهره ای که در لو دادن و دستگیری و

به صورت متفرقه در آزمون ششم ادبی شرکت کرد و دیپلم گرفت و سال بعد در رشته فلسفه دانشگاه تهران ثبت نام کرد. ورود به دانشگاه راه جدید مبارزه را پیش پای بیژن نهاد.

جزنی در ۲۱ مهرماه ۱۳۳۹ با میهن قریشی از رفقای حزبی قدیمی خویش ازدواج کرد که حاصل آن دو پسر «بابک و مازیار» بود.

با ورود جزنی به دانشگاه او با استفاده از تجربیات گذشته خود در تشکیلات جوانان حزب توده به سازماندهی حرکتی دانشجویی پرداخت و در چند تظاهرات و تجمع دانشجویی نقش بسزایی داشت و به خاطر این فعالیتهاش چندین بار دستگیر شد. در طول مدت مبارزه جزنی در جنبش دانشجویی او با جبهه ملی هم ارتباط داشت اما به خاطر بی عملی این جبهه همچنین برخوردهای غیر دموکراتیک آنان بیژن و یارانش از آن جدا شدند (۱) و دست به تشکیل تشکیلات مخفی دانشجویی در دانشگاه زدند و شروع به عضو گیری کردند که در این راه حسن ضیا ظریفی نقش بزرگی را ایفا کرد. این گروه برای ترویج دیدگاههای خود دست به انتشار نشریه پیام دانشجو به صورت وسیعترین و تاثیرگذارترین نشریه دانشجویی آن زمان زدند. پس از مدتی جزنی به خاطر فعالیتهاش به وسیله ساواک دستگیر شد.

بعد از آزادی به پیشنهاد او گروه با گروه رزم اوران که به وسیله عباس سورکی تشکیل شده بود و یک گروه مبارز با خط مشی چپ بود که از اعضای باقی مانده حزب توده بودند وحدت کردند. برای مبارزه مسلحانه برنامه ریزی کردند و... و این سر آغاز مبارزه مسلحانه با رژیم شاه بود.

خط مشی گروه تازه به خاطر سابقه افرادش و همچنین فضای مسلط جامعه مارکسیسم اعلام شد. اما بحث بر سر برداشت گروه از شرایط روز جامعه و احزابی مثل حزب توده و سازمان انقلابی همچنان باقی ماند. گروه تحت تاثیر مبارزات چریکی در آمریکای لاتین و کوبا و ویتنام و بر اثر مطالعه ی آثار چه گوارا و رژیم دبره و... و فضای دیکتاتوری رژیم شاه و انسداد و شکست هر نوع مبارزه مسالمت آمیز، خط مشی مبارزه مسلحانه را برگزید. اما به خاطر لو رفتن گروه به وسیله یکی از اعضا، ساواک (۲) توانست جزنی و سورکی را هنگام اجرای قرار در خیابان

توضیح نبرد خلق: دومیطلب زیر که همراه با ذکر ماخذ در زیر مطالعه می کنید در مورد به شهادت رساندن ۹ زندانی سیاسی در ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ به دست مزدوران رژیم شاه می باشد.

بعضی اشتباهات در مورد بعضی از رویدادها در این دو مقاله وجود دارد که در مورد بعضی از آنها توضیح داده ایم*. اما هدف ما در مورد چاپ این دو مطلب این است که نشان دهیم بر خلاف بعضی از نظرات انحرافی، جنبش مسلحانه سالهای قبل از انقلاب هم چنان مورد توجه جامعه می باشد.

سی امین سال گلوله باران بیژن

جزنی و یاران

زندگی نامه بیژن جزنی

ویژه نامه «نسل سوم»، نشریه دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

بیژن جزنی در سال ۱۳۱۶ در تهران متولد شد. پدرش حسین افسر ژاندارمری بود و مادرش خانه دار. دوران کودکی و نوجوانی را در سال های پر التهاب دهه ۲۰ و ۳۰ گذراند.

پدر جزنی زمانی که او ۹ سال سن داشت به فرقه دموکرات آذربایجان پیوست و پس از سرکوب آن به ناچار و از هراس اعدام رژیم شاه به شوروی پناهنده شد.

خانواده جزنی مجبور شدند به خانه پدر بزرگ مادری خود بروند. زندگی در خانه پدر بزرگ تاثیر اساسی در زندگی بیژن نوجوان نهاد او در محیطی رشد می کرد که افراد آن در سازمانهای حزب توده به صورت حرفه ای فعالیت می کرد به تبع این شرایط بیژن به سازمان جوانان حزب توده پیوست. به ابتکار او باشگاه کوچکی از حزب در محله «مفت آباد» در سال ۱۳۳۱ دایر شد و علاوه بر جذب جوانان به حزب از ولگردی و بطالت جوانان جلوگیری می شد.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد بیژن مخفی شد اما در آذر همان سال دستگیر شد که بعد از سه ماه بازداشت با ضمانت آزاد شد. و به کارهای حزبی خود به صورت مخفیانه ادامه داد.

در این ایام او موسسه فیلم و عکسی را تاسیس کرد و در سال ۱۳۳۷ در حالی که از شغل و درآمد کافی برخوردار بود